



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

مطالعات منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقا

موضوع:

اثر ژئوپولیتیک کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق

استاد راهنما:

دکتر حسین دهشیار

استاد مشاور:

دکتر حسین سلیمی

نگارش:

هاشم کرمی

سال تحصیلی:

شهریور 1389

تقدیم به:

همسرم، خانم پگاه صیدی که در تمام مصائب زندگی بی شائبه همراهیم  
کرد.

و پسر، آریا که وقت بازی های کودکانه او با پدرش، صرف نگارش این  
سطور شدند.

صفحه	عنوان مطلب
1	پیشگفتار
2	فصل اول: کلیات تحقیق
2	طرح مسأله
4	سوال اصلی
4	فرضیه اصلی
4	اهداف، علل و ضرورت های پژوهش
5	پیشینه و سوابق پژوهش
5	تعریف مفاهیم و متغیرها
6	ابعاد و قلمرو پژوهش
6	جنبه های نوآوری و بدیع بودن موضوع
7	موانع، مشکلات و محدودیت های پژوهش
7	روش پژوهش و روش گردآوری اطلاعات
7	سازماندهی پژوهش
8	پی نوشت های فصل اول
9	فصل دوم: بحث نظری ژئوپولتیک
9	تعریف ژئوپولتیک
15	تفاوت ژئوپولتیک و جغرافیای سیاسی
17	تاریخچه تحولات ژئوپولتیک
23	عوامل مؤثر در ژئوپولتیک و عناصر ژئوپولتیکی
31	بررسی اثر نظریه های ژئوپولتیک بر سیاستگذاری قدرتهای بزرگ
35	تعریف چارچوب ژئوپولتیک در این تحقیق
39	پی نوشت های فصل دوم
43	فصل سوم: زوایای جغرافیایی و ژئوپولتیکی کردستان عراق
43	نگاهی کوتاه به تاریخ کردها
44	نگاهی کوتاه به زبان کردها
45	نگاهی کوتاه به محل زندگی کردها
49	جغرافیای طبیعی کردستان عراق:

49	آب و هوا و ناهمواریهای کردستان عراق
49	منابع آب کردستان عراق
50	منابع نفت کردستان عراق
53	معادن و منابع غیر نفتی کردستان عراق
54	جغرافیای انسانی:
54	جمعیت کردهای عراق
57	تقسیم بندی داخلی کردستان عراق با توجه به مذاهب و لهجه‌ها
59	جغرافیای نظامی کردستان عراق:
62	پی نوشت‌های فصل سوم
65	<b>فصل چهارم: تحلیل مسائل گذشته و معاصر ژئوپولیتیک کردستان عراق</b>
65	تحلیل مسائل گذشته:
65	علل ژئوپولیتیکی از بین رفتن حکومت های گُرد در گذشته
70	ژئوپولیتیک کردستان عراق پس از حمله اعراب مسلمان و مغول ها
71	ژئوپولیتیک کردستان عراق در زمان درگیریهای عثمانی - صفوی
72	تحلیل مسائل معاصر:
72	معاهدات سور و لوزان
79	تلاش قدرتهای بزرگ برای استفاده از کردها در جهت سیاست های خود
80	مسائل کرکوک، منابع نفتی و انتقال انرژی
84	منابع آب دجله و فرات و اختلافات دولت ها بر سر آن
88	طرح خاورمیانه بزرگ و اثر آن بر کردستان عراق
91	پی نوشت‌های فصل چهارم
94	<b>فصل پنجم:</b>
94	<b>تحلیل اثر ژئوپولیتیکی کردستان عراق بر عدم استقلال کردهای عراق</b>
94	تحلیل موقعیت و عناصر ژئوپولیتیکی کردستان عراق
101	تحلیل مدل پیتر هاگت و تطبیق آن با کردستان عراق
107	تحلیل اثر ژئوپولیتیک کردستان عراق بر احزاب کردستان عراق و سیاستگذاری آنها
112	تحلیل اثر ژئوپولیتیک کردستان عراق بر جهت‌گیری کشورهای ذینفع در کردستان عراق
115	تحلیل موقعیت و مزیت و اهرم‌های متقابل کردها و عراق عرب در برابر یکدیگر

121	پی نوشت‌های فصل پنجم
123	<b>فصل ششم: نتیجه گیری و پیشنهاد برای تحقیقات بیشتر</b>
129	پی نوشت‌های فصل ششم
130	منابع و مأخذ

## پیشگفتار:

با گسترش جنبه‌های کاربردی جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک می‌توان توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی، استراتژیک و استعداد‌های محیطی را از ژرفای موقعیت و زمینه‌های جغرافیایی هر منطقه‌ای بیرون کشید و قابلیت جغرافیایی را در راه پیشرفت جامعه و رفاه ملت به کار گرفت<sup>1</sup>. برای شناخت سیاست در یک سرزمین ناچاریم دسته‌ای از واقعیت‌های جغرافیایی مربوط به آن سرزمین را که می‌تواند بر مسائل سیاسی تأثیر گذار بوده و یا عملاً تأثیر می‌گذارند مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر، شناخت جغرافیا یکی از پایه‌های شناخت سیاست در یک سرزمین است. در این راستا تلاش شد فصلی نو در تحقیقات خاورمیانه‌ای باز شود که به مسائل مناطق مجزای درون دولتی می‌پردازد. با توجه به گسترده بودن حوزه مطالعات ژئوپولیتیکی، این نوع جدید از بررسی مسائل از نگاه ژئوپولیتیک می‌تواند کمک شایانی به سیاستگذاری برای مناطق ژئوپولیتیکی و کشورهای دربرگیرنده آنها بنماید. تحقیق حاضر برای اولین بار است در چنین سطح و گستردگی به بررسی اثر ژئوپولیتیکی کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق می‌پردازد و درصدد است بارزترین نمود وضعیت سیاسی که همان استقلال سیاسی است را از دیدگاه ژئوپولیتیک مورد تحلیل قرار دهد.

تحلیل تاریخ گذشته و حال کردها نشان از اهمیت و حتی تعیین‌کنندگی موقعیت جغرافیایی و محل زندگی ایشان، در سرنوشت گذشته و حال آنها دارد.<sup>2</sup> امید است تحقیق حاضر بتواند باری نو برای تحلیل مسائل سیاسی خاورمیانه و درک مسائل و تنگناهای سیاسی موجود در این منطقه مهم باز نماید. امید است کاستی‌های این تحقیق با کمک‌های روزافزون و نقد اساتید و محققان و دوستان در آینده‌ای نه چندان دور مرتفع گردد.

## فصل اول: کلیات تحقیق

### 1- طرح مسئله:

خاورمیانه از زمان های قدیم در کانون توجه قدرتهای بزرگ جهانی و منطقه ای بوده و همه آنها سعی داشته اند در این منطقه نفوذ کنند. پرتغالی ها، هلندی ها، اسپانیایی ها، انگلیسی ها و فرانسوی ها همگی برای گسترش سیطره نفوذ قلمرو تجاری، سیاسی و دریایی خود به خاورمیانه توجه ویژه ای داشته اند.<sup>3</sup>

جدای از اینکه خاورمیانه مهد دین های بزرگ الهی (یهودی، مسیحی و اسلام) و از کانون های اصلی تمدن بشری بوده، موقعیت ژئوپولتیکی آن اهمیتی جهانی برایش به همراه داشته است. امروزه نیز با توجه به اینکه خاورمیانه از طرفی دارای غنی ترین منابع انرژی جهانی است و از طرف دیگر مرکز بنیادگرایی اسلامی و تروریسم قلمداد می شود، اهمیت ژئوپولتیکی خود را حفظ نموده است. بررسی جوانب ژئوپولتیکی خاورمیانه همانند همه کارهای علمی دیگر مستلزم تمرکز موضوعی روی یک جنبه از کل مسأله است بنابراین در راستای روشن شدن یکی دیگر از زوایای ژئوپولتیکی خاورمیانه، در این تحقیق به بررسی مسائل ژئوپولتیک منطقه موسوم به کردستان عراق پرداخته شده است. کردستان عراق از لحاظ موقعیت سرزمینی در شمال و شمال شرقی عراق و از طرف شمال با کردستان ترکیه، از طرف جنوب با عربهای عراق، از طرف شرق با کردستان ایران و از طرف غرب نیز عمدتاً با عربهای عراق و در سطح محدودی با کردستان سوریه همجوار است. مناطق کردنشین و بویژه کردستان عراق بین سرزمین های دیگر مردمان خاورمیانه یعنی سرزمین های ترک، فارس و عرب واقع شده و کردها پس از این مردمان چهارمین گروه جمعیتی بزرگ خاورمیانه هستند. با توجه به اینکه امروزه موجودیتی فدرال در کردستان عراق بوجود آمده که برخی اوقات جهت گیری متفاوتی از دولت عراق دارد، تمرکز تحقیق بر این بخش از منطقه عمومی کردستان یعنی کردستان عراق است. بررسی اثر ژئوپولتیک کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق از موضوعات مهم مورد توجه قرار نگرفته در تحقیقات خاورمیانه ای است و همین امر انجام تحقیق را برای محقق پیچیده تر خواهد نمود. بعد از جنگ جهانی دوم که منجر به پیدایش دولت-ملت های زیادی شد، کردها هم اقدام به قیام نمودند اما به دلایل متعدد قیام های آنها با شکست مواجه، و فقط در کردستان

عراق به مرور زمان موجودیتی خودمختار پا گرفت. به نظر محقق عوامل ژئوپولتیکی از مهم ترین و مؤثرترین عوامل دخیل در عدم استقلال کردستان عراق بوده و هستند.

هدف ما از روشن شدن این اثرات ژئوپولتیکی کمک به تصمیم گیری در مورد مسائل گُردی هر چهار کشور عمده کردنشین و بویژه کردستان عراق است. در نهایت امید است نتایج این تحقیق به درک بخشی دیگر از مسائل خاورمیانه و روشن نمودن راه حل های آن منجر شود. محقق بر این باور است که یکی از مهمترین دلایل عدم استقلال کردستان عراق، موقعیت ژئوپولتیکی اش بوده است.

از ویژگی های ژئوپولتیکی کردستان عراق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. کردستان عراق بین چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه واقع شده و بغیر از عراق در بقیه کشورها با نواحی کردنشین همسایه است.
2. کردستان عراق از لحاظ منابع نفت، یکی از غنی ترین مناطق خاورمیانه و جهان است.
3. کردها بزرگترین ملت بدون دولت در خاورمیانه و جهان هستند، که حدود 20% آنها در کردستان عراق ساکن هستند.
4. کردستان عراق محصور در خشکی است و به دریای آزاد راه ندارد.
5. کردستان عراق با رشته کوههایی از نواحی کردنشین اطراف و تا حدودی از اعراب عراق مجزا می شود.
6. کردستان عراق محل عبور رود دجله و همه رودهای تغذیه کننده آن به درون عراق است.
7. کردستان عراق به دو ناحیه «سوران» و «بادینان» با خصوصیات و گرایشات سیاسی متفاوت تحت حکومت دو حزب رقیب PUK و KDP تقسیم می شود.

## 2- سؤال اصلی:

ژئوپولتیک کردستان عراق چه اثری بر وضعیت سیاسی کردهای عراق داشته است؟

## 3- فرضیه اصلی:

ژئوپولتیک کردستان عراق مانع استقلال کردهای عراق شده است.



#### 4-اهداف، علل و ضرورت های پژوهش:

##### 4-1- علل و ضرورت های انتخاب موضوع:

علاقه و کنجکاوی شخصی در مورد مسائل کردستان عراق یکی از مهمترین دلایل انتخاب این موضوع بوده است اما به روز بودن موضوع و حساس بودن منطقه مورد بررسی و انجام نشدن تحقیقی راجع به "اثر ژئوپولیتیک کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق" از دیگر دلایل مهم انتخاب این موضوع بوده است.

##### 4-2- اهداف انتخاب موضوع:

برای بررسی جوانب ژئوپولیتیکی خاورمیانه و فهم اهمیت ژئوپولیتیک آن لازم است به تقسیم خاورمیانه و تمرکز روی هر یک از مناطق زیر مجموعه آن پرداخت. در این راستا با توجه به تقسیم شدن سرزمین کردها بین سرزمین های چهار کشور خاورمیانه و اثرگذار بودن کردها بر هر چهار کشور بطور مستقیم و بر منطقه خاورمیانه بصورت غیر مستقیم، روشن شدن زوایای ژئوپولیتیکی کردستان به عنوان یک زیر مجموعه منطقه خاورمیانه لازم به نظر می رسد. با روشن شدن جوانب ژئوپولیتیکی کردستان و پی بردن به اثر آن بر وضعیت سیاسی کردها در واقع بصورت مستقیم به سیاستگذاری کشورهای چهارگانه کردنشین و در سطح بالاتر به حل بخشی از مشکلات خاورمیانه کمک می شود. در این تحقیق، بخش مهمی از منطقه عمومی کردستان یعنی کردستان عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت و امید است در آینده بخش های دیگر کردستان نیز مورد تحقیق مشابه قرار گیرند.

##### 5- پیشینه و سوابق پژوهش:

###### 1- مهرداد ایزدی، «کردها»:

این کتاب نیز همانند بسیاری کتب مشابه، به مسائل مختلف جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی کردستان پرداخته شده و بصورت مختصر نیز مسائل ژئوپولیتیکی کردستان عراق مورد اشاره قرار گرفته است.

2- رابرت السن، «قیام شیخ سعید پیران»:

در این کتاب نقش ژئوپولیتیک کردستان در سرکوب قیام شیخ سعید مورد اشاره قرار گرفته، و دلایل ژئوپولیتیکی عدم حمایت بریتانیا و فرانسه از شیخ سعید در برابر ترکیه بیان شده است.

3- رابرت السن، «مسئله گرد و روابط خارجی ایران و ترکیه»:

السن در بخش هایی از این کتاب به بررسی نقش موقعیت و اثر ژئوپولیتیک مناطق کردنشین در قیام ها پرداخته است. وی سطوری را نیز به اثر ژئوپولیتیک کردستان در سیاست قدرت های بزرگ بویژه بریتانیا اختصاص داده و تغییر جهت گیری های سیاسی این کشور در قبال کردها و کردستان را ناشی از مسائل ژئوپولیتیکی می داند.

4- جعفر حق پناه، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»:

این کتاب از کتاب هایی است که هر چند به موضوع ژئوپولیتیک کردستان عراق پرداخته، اما در بخش هایی از آن به خوبی تأثیر ژئوپولیتیک بر سیاستگذاری احزاب کردستان عراق (بویژه حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان) نشان داده شده است.

6- تعریف مفاهیم و متغیرها:

6-1- مفاهیم:

6-1-1- کردستان عراق: عبارتست از تمام مناطق کردنشین (شیعه و سنی) بهم پیوسته واقع شده در مرزهای بین المللی کشور عراق که عمدتاً در برگیرنده شمال و شمال شرق این کشور است.<sup>4</sup>

6-1-2- عراق عرب: عبارتست از تمام مناطق عرب نشین (شیعه و سنی) بهم پیوسته واقع شده در مرزهای بین المللی کشور عراق.<sup>5</sup>

6-2- متغیرها:

با توجه به اینکه این تحقیق درصدد تبیین وضعیت سیاسی کردهای عراق بنا به ژئوپولیتیک محل زندگی شان است، بنابراین «ژئوپولیتیک کردستان عراق» متغیر مستقل تحقیق حاضر، و «استقلال کردهای عراق» نیز به عنوان متغیر وابسته شناخته می شود.

## 7- ابعاد و قلمرو پژوهش:

با توجه به اینکه کردها در دو سوی مرزهای منتهی به کردستان عراق قرار دارند و همین امر بر این منطقه اثرات مهمی می‌گذارد، در این پژوهش زوایای ژئوپولیتیکی تمام مناطق بهم پیوسته کردنشین کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه بصورت مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرد اما تمرکز اصلی پژوهش بر کردستان عراق است. بازه زمانی تحقیق روی قرن 20 و 21 متمرکز است اما بصورت اجمالی مسائل ژئوپولیتیکی تاریخی قبل از این دو قرن را هم مد نظر قرار می‌دهد.

## 8- جنبه های نوآوری و بدیع بودن موضوع:

تحقیقی با عنوان بررسی رابطه ژئوپولتیک و وضعیت سیاسی کردهای عراق که بارزترین ویژگی آن عدم استقلال است، تاکنون انجام نشده است. با توجه به موقعیت ژئوپولتیکی کردستان عراق تحقیق حاضر درصدد تبیین عدم استقلال کردهای عراق است.

## 9- موانع، مشکلات و محدودیت‌های پژوهش:

از مهمترین محدودیت های پژوهش حاضر کمبود منابع اطلاعات و تحقیقات معتبر علمی راجع به زوایای ژئوپولتیکی کردستان عراق است. علاوه بر این محدودیت زمانی برای انجام تحقیق حاضر از مهمترین عوامل و فاکتورهای دخیل در بروز برخی کمبودها در این تحقیق هستند.

## 10- روش پژوهش و روش گردآوری اطلاعات:

### 10-1- روش گردآوری اطلاعات:

شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای به طور مشخص فیش برداری و رجوع به اینترنت خواهد بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی استفاده می‌شود.

### 10-2- روش پژوهش:

در تحقیق حاضر برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است.

### 13- سازماندهی پژوهش:

فصل اول به کلیات تحقیق، از جمله طرح مسئله و سوال و فرضیه پرداخته است، در فصل دوم نظریه-های ژئوپولیتیک و چارچوب نظری تحقیق توضیح داده شده، و فصل سوم به زوایای جغرافیایی و ژئوپولیتیکی کردستان عراق می پردازد، در فصل چهارم به مسائل گذشته و معاصر ژئوپولیتیک کردستان عراق و در فصل پنجم به تحلیل اثر ژئوپولیتیکی کردستان عراق بر عدم استقلال کردهای عراق پرداخته شده است، در پایان، فصل ششم به نتیجه گیری و پیشنهاد برای تحقیقات بیشتر اختصاص یافته است.

## پی نوشت های فصل اول:

<sup>1</sup> بنگرید به: پیروز مجتهد زاده، «جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت ها نگاهی کوتاه به پاره ای از مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپولتیک»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش 121-122، 1376، ص 30.

<sup>2</sup> بنگرید به: نوشیروان مصطفی امین، *تاریخ سیاسی کردها*، ترجمه اسماعیل بختیاری، (سلیمانیه، بنکه ی ژین، 2006)، ص 18.

<sup>3</sup> بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، *ژئوپولتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1381)، صص 1-10.

<sup>4</sup> [www.wikipedia.org/iraqi-kurdistan](http://www.wikipedia.org/iraqi-kurdistan).

<sup>5</sup> Carl Dahlman, "The Political Geography of Kurdistan", *Eurasian Geography and Economics*, Vol.43, No.4, 2003, p 271.

# فصل دوم: بحث نظری ژئوپولیتیک

## 1) تعریف ژئوپولیتیک

در علوم سیاسی و روابط بین الملل، برای بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات بیش از یک تعریف، که چه بسا با هم تناقضاتی هم دارند، ارائه شده است. ژئوپولیتیک نیز، از آن دسته اصطلاحاتی است که برای آن چندین تعریف متفاوت ارائه شده است. به قول لئونارد فون افرینک، اشتیاق برای پیدا کردن فقط یک تعریف درست از ژئوپولیتیک به ناامیدی منجر خواهد شد.<sup>1</sup> تقریباً هر یک از صاحب نظران و محققان حوزه مطالعات ژئوپولیتیک بیش از یک تعریف برای این مفهوم ارائه کرده است که در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می کنیم؛ در پایان هم تعریف مورد پذیرش تحقیق را بیان می کنیم.

ژئوپولیتیک مرکب از دو واژه «ژئو»<sup>1</sup> به معنای زمین و «پولیتیک»<sup>2</sup> به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند سیاست جغرافیایی، علم سیاست جغرافیایی و جغرافیا-سیاست شناسی برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیتیکس»<sup>3</sup>، در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، «گئوپولیتیک»<sup>4</sup> و در فرانسوی «ژئوپولیتیک»<sup>5</sup> اطلاق شده است.

اصطلاح ژئوپولیتیک در اواخر قرن نوزدهم برای اشاره به چگونگی ارتباط یافتن ایده های مرتبط با سیاست و فضا به سیاست ملی بکار برده شد. ژئوپولیتیک به روابط سیاسی بین دولت‌ها، استراتژی های خارجی دولت‌ها و موازنه قوای جهانی می پردازد.<sup>2</sup>

همانگونه که در تعریف فوق مشاهده می کنیم در ابتدا ژئوپولیتیک برای مقاصد سیاسی مورد استفاده قرار گرفت یعنی ژئوپولیتیک به عنوان یک علم فقط برای دانستن روابط فضا و سیاست ملی و تلاش برای تبیین سیاست درست در شرایط فضایی مشخص، مورد مطالعه قرار نمی گرفت بلکه هدف از مطالعه ژئوپولیتیک

---

<sup>1</sup> Geo

<sup>2</sup> Politic

<sup>3</sup> Geopolitics

<sup>4</sup> Geopolitike

<sup>5</sup> Geopolitique

توجیه سیاست های ملی بیشتر توسعه طلبانه بود. از این روست که کوهن می گوید: «ژئوپولیتیک محصول زمانه خود است و تعریفش هم بنا به زمانه اش متحول شده است»<sup>3</sup> به عبارت دیگر تعریف ژئوپولیتیک بنا به زمانه زمامداری کدام دسته از سیاستمداران و کشور مورد مطالعه متفاوت بوده است.

راتزل دانشمند جغرافیدان آلمانی از اولین افرادی بود که درصدد مرتبط کردن شرایط جغرافیایی و سیاست ملی برآمد. او به میزان زیادی تحت تأثیر داروینیسیم اجتماعی هربرت اسپنسر<sup>1</sup> و اسکار هرتوینگ<sup>2</sup> که تداعی کننده مفهوم بقای اصلح بود، قرار گرفت. داروینیسیم اجتماعی، مقایسه هایی را میان ارگانیسیمهای حیوانی و جوامع انسانی انجام می داد، و راتزل از چنین مفاهیمی برای نشان دادن وابستگی حکومت به زمین به عنوان موجودی زنده استفاده کرد.<sup>4</sup> راتزل از موجود زنده انبوهه<sup>3</sup> مانند جنگل ها و گله ها نیز سخن گفت که به فضای حیاتی نیازهای کلی داشتند و بدین ترتیب تاجایی پیش رفت که گفت اگر کشور محدود باشد، جمعیت اضافی به خارج از مرزهای قانونی آن سرازیر می شود.<sup>5</sup> «قوانین»<sup>4</sup> جغرافیایی وی بر «فضا»<sup>5</sup> و «مکان»<sup>6</sup> تمرکز داشت. فضا، به ماهیت سیاسی گروه های موجود در خود و کمک به آنها وابسته بوده و مکان، منحصر به فرد بودن خود را در اختیار فضا قرار می دهد. مرزها، پوست یا همان ارگان های پیرامونی دولت ها بوده که نشان دهنده رشد یا افول آنها می باشند. زمانی که دولت ها دارای مناطق قاره ای تحت کنترل خود هستند، قدرت سیاسی وسیعی ایجاد خواهند کرد.<sup>6</sup>

راتزل نتیجه می گیرد که نظام های حکومتی قدرتمند حق دارند تا به قیمت نابودی همسایگان ضعیف تر رشد کنند. وی نوشت: «در سراسر کره زمین، برای کسب فضا، حیات با حیات در ستیز است. عبارت تنازع برای بقا که بسیار نا به جا بکار رفته و بیشتر از آن سوء برداشت می شود، واقعاً در وهله نخست به معنی کشمکش برای فضا است. زیرا فضا اولین شرط حیات است که بر حسب آن، تمام شرایط دیگر و بیش از همه، معاش با آن سنجیده می شود.»<sup>7</sup>

رودلف کیلن دانشمند سیاسی سوئدی شاگرد راتزل اصطلاح ژئوپولیتیک را در سال 1899 ابداع کرد. در نظر کیلن، ژئوپولیتیک نظریه دولت به عنوان ارگانیسیم یا پدیده زنده در فضا است. کیلن در تعریفی دیگر از

---

<sup>1</sup> Herbert Spencer

<sup>2</sup> Oskar Hertwig

<sup>3</sup> Aggregate Organism

<sup>4</sup> Laws

<sup>5</sup> Raum (Space)

<sup>6</sup> Skin

این مفهوم می نویسد: ژئوپولتیک آن بخشی از سیاست است که «در اصل به روابط خارجی، استراتژی و سیاست دولت توجه می کند و به دنبال بکارگیری این دانش برای اهداف سیاسی است».<sup>8</sup> کیلن روی ابعاد سرزمینی سیاست متمرکز شد. به عقیده او، فضایی مشخص کیفیت های "مطلقاً"<sup>1</sup> مشخصی را فراهم می کند که به مکان منابع و ویژگی های فیزیکی وابسته است.<sup>9</sup> رهیافت ارگانیک پویا، کیلن را به حمایت از این دکترین سوق داد که فرایندهای سیاسی به لحاظ فضایی تعیین می گردند.

از دیگر چهره های شاخص مطالعات ژئوپولتیک، کارل هاوسهوفر، پدر گئوپولتیک آلمان است او در تعریف این مفهوم بیان می دارد که «ژئوپولتیک، علم ملی جدید دولت ... و دکترینی است که معتقد به تعیین شدن تمام فرایندهای سیاسی توسط فضا، بر اساس جغرافیا بویژه جغرافیای سیاسی است». در نظر وی ژئوپولتیک به آمیزش منابع و قدرت سیاسی با ابعاد سرزمینی یا فضایی دولت می پردازد. این بدان معناست که فواصل فضایی متفاوت بین سرزمین های معین در ارزیابی اهداف سیاسی متفاوت مورد توجه قرار می گیرند.<sup>10</sup>

از طرفی، به مرور زمان و با توجه به نیازهای متفاوت و اهداف مختلفی که ما با مطالعه ژئوپولتیک درصدد برآورده کردن آنها هستیم، مفهوم و حیطه تمرکز مطالعه ژئوپولتیک نیز تغییر و تحولاتی یافته است. این تغییرات در تعاریف مربوط به ژئوپولتیک هم آشکار هستند و یکی از دلایل متکثر بودن تعاریف ژئوپولتیک، داشتن اهدافی متفاوت از مطالعه این رشته است. از طرف دیگر، «با توجه به اینکه ژئوپولتیک دربردارنده دو دیسپلین - جغرافیا و سیاست - است، رویکردهایش نیز بنا به چارچوب تحلیل رایج در هر دیسپلین متغیر و متنوع است».<sup>11</sup> کالین فلینت<sup>2</sup> خاطرنشان می سازد که قدرت همیشه نقش مرکزی در تعریف مفهوم ژئوپولتیک داشته است، با این حال، معنای این مفهوم دستخوش تغییرات زیادی شده است. وی در تعریف ژئوپولتیک می گوید: این رشته به کشمکش بر سر کنترل فضا و مکان با تمرکز بر قدرت می پردازد.<sup>12</sup>

دستیابی به یک توافق در باب تعریف مشترکی از اصطلاح ژئوپولتیک مشکل است زیرا این اصطلاح معانی متفاوتی یافته است:

---

<sup>1</sup> Absolute  
<sup>2</sup> Colin Flint



A. به زعم برخی نظیر ویلمز، ژئوپولتیک آیینی است که در آن استفاده از دانشهای جغرافیایی در جهت تعبیه یک «سیاست ملی گرا» تجویز می شود.

B. دانشمندان دیگری، آن را مطالعه تاریخ و سیاست کنونی یک کشور، با در نظرگرفتن عوامل جغرافیایی می دانند.

C. ژئوپولتیک، در معنای گسترده آن، که امروز رواج بیشتری یافته است، به معنای سیاست آمایش منابع زمین با در نظر گرفتن نیازهای انسانی است، هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی.

با در نظر گرفتن واژه سیاست در معنایی جهانی، می توان گفت تعریف فرهنگ بزرگ لاروس از این واژه، بهترین تعریف است: « در ژئوپولتیک سعی بر این است که با بررسی امور جغرافیایی، جهتی به سیاست بخشیده شود».<sup>13</sup>

در تعریفی به نسبت گسترده از ژئوپولتیک که "مجله ژئوپولتیک"<sup>1</sup> ارائه کرده، ژئوپولتیک حوزه ای چند رشته ای است و همه ابعاد علوم اجتماعی را با تأکید ویژه بر جغرافیای سیاسی، روابط بین الملل، ابعاد سرزمینی<sup>2</sup> علوم سیاسی و حقوق بین الملل در بر می گیرد.<sup>14</sup>

پیروز مجتهدزاده در مورد ژئوپولتیک معتقد است: «ژئوپولتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی<sup>3</sup>، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم گیری های سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی مطالعه می کند».<sup>15</sup>

حافظ نیا نیز ژئوپولتیک را «مطالعه رفتار سیاسی دولت ها، گروه ها و سازمان ها در مورد جنبه های فضایی، محیطی و انسانی» می داند. وی در تعریفی دیگر موضوع ژئوپولتیک را رفتار گروه های انسانی متشکل نسبت به یکدیگر بر پایه جغرافیا، قدرت و سیاست می داند.<sup>16</sup>

دره میرحیدر هم ژئوپولتیک را اینگونه تعریف می کنند: «ژئوپولتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم گیری های سیاسی در سطح ملی و منطقه ای است».<sup>17</sup>

<sup>1</sup> Geopolitics Journal

<sup>2</sup> Territorial

<sup>3</sup> زمینی، دریایی، هوایی و فضایی

اویویند اوستروود<sup>1</sup> در مقاله ای که تحت عنوان " استعمال و سوء استعمال ژئوپولیتیک"<sup>2</sup> می نویسد: ژئوپولیتیک بطور سنتی به پیوند ها و روابط علی بین قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی اشاره دارد. اغلب ژئوپولیتیک را رشته ای می دانند که با توجه به اهمیت نسبی قدرت زمینی و قدرت دریایی در تاریخ جهان اقدام به تجویزات استراتژیک می نماید.<sup>18</sup>

در تعریفی ساده و قابل توجه که برخی فرهنگ لغات از ژئوپولیتیک ارائه کرده اند، ژئوپولیتیک عبارت است از ترکیبی از مؤلفه های جغرافیایی و سیاسی مرتبط یا اثرگذار بر یک منطقه یا ملت.<sup>19</sup>

جفری پارکر<sup>3</sup>، ژئوپولیتیک را «مطالعه روابط بین الملل از دیدگاه فضایی یا جغرافیایی» تعریف می کند. در حالی که جان اگنیو<sup>4</sup> ژئوپولیتیک را به رشته ای که به «امتحان کردن فرضیات، طرح ها و ادراکات جغرافیایی دخیل در ساختن سیاست جهانی» می پردازد، تعریف کرده است.<sup>20</sup>

کوهن در کتاب «ژئوپولیتیک نظام جهانی» این تعریف را برای ژئوپولیتیک ارائه می کند: ژئوپولیتیک به تحلیل تعامل بین واقعیات و چشم اندازهای جغرافیایی از یک سو، و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر می پردازد. منظور از واقعیات و چشم اندازهای جغرافیایی مؤلفه ها و الگوهای جغرافیایی و مناطق چند لایه ای است که توسط آنها ایجاد شده اند. فرایند سیاسی دربردارنده دو نوع نیروی سیاسی است، یکی نیروهایی که در سطح بین الملل عمل می کنند و دیگری نیروهایی که در صحنه داخلی بر رفتار بین المللی اثر می گذارد. هم واقعیات و چشم اندازهای جغرافیایی و هم فرایندهای سیاسی پویا هستند و هر کدام بر دیگری اثر گذاشته و از آن اثر می پذیرد. ژئوپولیتیک به نتایج و تبعات این تعامل می پردازد.<sup>21</sup>

علاوه بر اختلاف نظر در مورد حوزه مطالعات ژئوپولیتیک و تعریف آن، صاحب نظران در مورد ارزشمند بودن این رشته نیز، نظرات کاملاً متفاوتی از هم دارند. در یک طرف، افرادی چون درونت ویتلسی<sup>5</sup> و ریچارد هارتشورن<sup>6</sup> قرار دارند که ژئوپولیتیک را رشته ای علمی ندانسته و مطالعات ژئوپولیتیک را غیر علمی

---

<sup>1</sup> Oyvind Osterud

<sup>2</sup> The Uses and Abuses of Geopolitics

<sup>3</sup> Geoffrey Parker

<sup>4</sup> John Agnew

<sup>5</sup> Derwent Whittlesey

<sup>6</sup> Richard Hartshorne

می دانند. در طرف دیگر، افرادی چون ادموند والش<sup>1</sup>، مطالعات ژئوپولیتیک را نه تنها علمی بلکه دارای ریشه ای قوی در گذشته می دانند.

در اواخر جنگ جهانی دوم، درونت ویتلسی، جغرافیدان سیاسی امریکایی، ژئوپولیتیک را رد کرد چرا که به نظر او ژئوپولیتیک «عقاید جزمی و ایمان به این قضیه است که هر دولتی بطور ذاتی زمینش را تا خورشید تحت حاکمیت دارد». ریچارد هارتشورن هم ژئوپولیتیک را «جغرافیای مورد استفاده برای اهدافی که فراتر از دانش به مسائل هستند» تعریف کرد. در مقابل جغرافیدانانی چون ویتلسی و هارتشورن، دانشمندان سیاسی چون ادموند والش، ژئوپولیتیک امریکایی را بر پایه عدالت بین المللی می دانند و آن را «مطالعه ای ترکیبی از جغرافیای انسانی و علوم سیاسی کاربردی ... که به زمان ارسطو، مونتسکیو و کانت برمی گردد» دانسته اند.<sup>22</sup>

---

<sup>1</sup> Edmund Walsh

## 2) تفاوت ژئوپولتیک و جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی یا ژئوپولتیک دو رشته مکمل هم هستند. در برخوردی کلی، می توان جغرافیای سیاسی را عبارت از «مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در محیط جغرافیایی دانست»؛ مانند تقسیمات سیاسی کشور و مرزسازیهای سیاسی روی صحنه جغرافیایی. حال آنکه ژئوپولتیک را در نگاهی کلی می توان عبارت از، «مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم گیریهای سیاسی صاحبان قدرت دانست»؛ مانند ارزیابی نقش عوارض و موقعیت های جغرافیایی و منابع طبیعی در برنامه ریزیهای مربوط به پیشبرد اهداف سیاسی. به گفته دیگر، در حالی که جغرافیای سیاسی از نقش آفرینی های سیاسی-محیطی در چهارچوب «کشور» سخن دارد، ژئوپولتیک از نقش آفرینی های سیاسی-محیطی در چهارچوب مفهوم «قدرت» سخن می گوید؛ بدین ترتیب، ژئوپولتیک عبارت است از «مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرتها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می گذارد، یا امکاناتی که در این راستا می توان از محیط جغرافیایی گرفت». مسلماً هدف یک قدرت (به منزله پدیده ای سیاسی-محیطی) از این روابط، ایجاد موازنه های رقابتی با قدرتهای دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آن با توجه به چگونگی بهره گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپولتیک را می توان هنر ایجاد موازنه قدرتی با رقیبان در سطوح منطقه ای و جهانی، در راستای تأمین امنیت جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه ای و جهانی دانست. با این تعریف، ژئوپولتیک بیشتر نگاهی فراملتی دارد؛ حال آنکه جغرافیای سیاسی به نقش آفرینی های درون کشوری می پردازد.<sup>23</sup>

از سوی دیگر، ژئوپولتیک و جغرافیای سیاسی در مراحل کاربردی سیاست های ملی، در امتداد هم قرار دارد. با توجه به این اصل که سیاست خارجی یک کشور هنگامی طبیعی و حقیقی است که ادامه زندگی سیاسی و سیاست های داخلی آن کشور باشد، جغرافیای سیاسی آن کشور شکل دهنده زندگی سیاسی-اقتصادی و منافع ملی آن کشور است و سیاست خارجی کشور، در پیگیری همان منافع ملی در صحنه های فراملتی، جنبه ای ژئوپولتیک به خود می گیرد؛ برای مثال با توجه به اینکه زندگی اقتصادی ایران روی محور استخراج نفت و گاز و بازرگانی آن از راه خلیج فارس دور می زند، آشکار می نماید که انرژی، امنیت و بازرگانی از راههای دریایی خلیج فارس، عناصر اصلی شکل دهنده سیاست خارجی ایران شمرده